عنوان:

خلاصه كتاب جهاد اكبر امام خمینی(ره)

|  |
| --- |
| شناسنامه مطلب |
| کد مطلب | t-334 |
| رده | تزکیه‌ای/علما و مواعظ/علمای ربانی/علمای معاصر/امام خمینی(ره) |
| برچسب | جهاد اکبر، تزکیه، امام خمینی(ره) |
| توضیحات |  |

يك سال ديگر از عمر گذشت. شما جوانان رو به پيري و ما پيران رو به مرگ پيش مي رويم. در اين يك سال تحصيلي شما به حدود تحصيلات و اندوخته هاي علمي خود واقفيد؛ مي دانيد چقدر تحصيل كرده و تا چه اندازه پايه هاي علمي خود را بالا برده ايد؛ ليكن راجع به تهذيب اخلاق، تحصيل آداب شرعيه، معارف الهيه و تزكيه نفس چه كرديد؟ و چه قدم مثبتي برداشتيد؟ هيچ به فكر تهذيب و اصلاح خود بوديد؟ و در اين زمينه برنامه اي داشتيد؟ متاسفانه بايد عرض كنم كار چشمگيري نكرديد و در جهت اصلاح و تهذيب خود قدم بلندي بر نداشتيد.

وظايف اهل علم خيلي سنگين است؛ مسئوليت علما بيش از ساير مردم مي باشد. در روايت است كه وقتي جان به حلقوم مي رسد، براي عالم ديگر جاي توبه نيست و در آن حال توبه وي پذيرفته نمي شود؛ زيرا خداوند از كساني تا آخرين دقايق زندگي توبه مي پذيرد كه جاهل باشند. و در روايت ديگر آمده است كه هفتاد گناه از جاهل آمرزيده مي شود پيش از آنكه يك گناه از عالم مورد آمرزش قرار گيرد. زيرا گناه عالم براي اسلام و جامعه اسلامي خيلي ضرر دارد. عوام و جاهل اگر معصيتي مرتكب شود فقط خود را بدبخت كرده، بر خويشتن ضرر وارد ساخته است؛ ليكن اگر عالمي منحرف شود و به عمل زشتي دست زند، عالمي را منحرف كرده، بر اسلام و علماي اسلام زيان وارد ساخته است. اينكه در روايت آمده كه اهل جهنم از بوي تعفن عالمي كه به علم خود عمل نكرده متأذي مي شوند، براي همين است كه در دنيا بين عالم و جاهل در نفع و ضرر به اسلام و جامعه اسلامي فرق بسيار وجود دارد. اگر عالمي منحرف شود، ممكن است امتي را منحرف ساخته به عفونت بكشد و اگر عالمي مهذب باشد، اخلاق و آداب اسلامي را رعايت نمايد، جامعه را مهذب و هدايت مي كند.

اهميت تهذيب و تزكيه نفس

آنان كه دين سازي كرده باعث گمراهي و انحراف جمعيت انبوهي شده اند بيشترشان اهل علم بوده اند؛ بعضي از آنان در مراكز علم تحصيل كرده رياضتها كشيده اند. اگر انسان خباثت را از نهادش بيرون نكند، هر چه درس بخواند و تحصيل نمايد نه تنها فايده اي بر آن مترتب نمي شود بلكه ضررها دارد. علم وقتي در اين مركز خبيث وارد شد، شاخ و برگ خبيث به بار آورده شجره خبيثه مي شود. هر چه اين مفاهيم در قلب سياه و غير مهذب انباشته گردد، حجاب زيادتر مي شود. در نفسي كه مهذب نشده، علم حجاب ظلماني است. لذا شر عالم فاسد براي اسلام از همه شرور خطرناكتر و بيشتر است. علم نور است، ولي در دل سياه و قلب فاسد دامنه ظلمت و سياهي را گسترده تر مي سازد. علمي كه انسان را به خدا نزديك مي كند، در نفس دنياطلب باعث دوري بيشتر از درگاه ذي الجلال مي گردد. علم توحيد هم اگر براي غير خدا باشد، از حجب ظلماني است؛ چون اشتغال به ماسوي الله است. اگر كسي قرآن كريم را با چهارده قرائت لماسوي الله حفظ باشد و بخواند جز حجاب و دوري از حق تعالي چيزي عايد او نمي شود. اگر شما درس بخوانيد، زحمت بكشيد، ممكن است عالم شويد، ولي بايد بدانيد كه ميان عالم و مهذب خيلي فاصله است. مرحوم شيخ، استاد ما، مي فرمود اينكه مي گويند ملا شدن چه آسان، آدم شدن چه مشكل صحيح نيست. بايد گفت ملا شدن چه مشكل، آدم شدن محال است!

كسب فضايل و مكارم انساني و موازين آدميت از تكاليف بسيار مشكل و بزرگي است كه بر دوش شماست. گمان نكنيد اكنون كه مشغول تحصيل علوم شرعيه مي باشيد و فقه كه اشرف علوم است مي آموزيد، ديگر راحتيد و به وظايف و تكاليف خود عمل كرده ايد. اگر اخلاص و قصد قربت نباشد، اين علوم هيچ فايده اي ندارد. اگر تحصيلات شما براي خدا نباشد و براي هواهاي نفسانيه، كسب مقام و مسند، عنوان و شخصيت در اين راه قدم گذاشته باشيد، براي خود وزر و وبال اندوخته ايد. اين اصطلاحات اگر براي غير خدا باشد، وزر و وبال است. اين اصطلاحات هر چه يادتر شود، اگر با تهذيب و تقوا همراه نباشد، به ضرر دنيا و آخرت جامعه مسلمين تمام مي شود. تنها دانستن اين اصطلاحات اثري ندارد. علم توحيد هم اگر با صفاي نفس توام نباشد وبال خواهد بود. چه بسا افرادي كه عالم به علم توحيد بودند و طوايفي را منحرف كردند. چه بسا افرادي كه همين اطلاعات شما را به نحو بهتری دارا بودند، لیکن چون انحراف داشتند و اصلاح نشده بودند وقتی وارد جامعه گردیدند بسیاری را گمراه و منحرف ساختند. این اصطلاحات خشک اگر بدون تقوی و تهذیب نفس باشد، هر چه بیشتر در ذهن انباشته گردد کبر و نخوت در دایره نفس بیشتر توسعه می یابد و عالم تیره بختی که باد نخوت بر او چیره شده نمی تواند خود و جامعه را اصلاح نماید و جز زیان برای اسلام و مسلمین نتیجه ای به بار نمی آورد و پس از سالها تحصیل علوم و صرف وجوه شرعی، برخورداری از حقوق و مزایای اسلامی، سد راه پیشرفت اسلام و مسلمین می گردد و ملتها را گمراه و منحرف می سازد و ثمره این درسها و بحثها و بودن در حوزه ها این می شود که نگذارد اسلام معرفی گردد، حقیقت قرآن به دنیا عرضه شود؛ بلکه وجود او ممکن است مانع معرفت جامعه نسبت به اسلام و روحانیت گردد.

خدا نکند انسان پیش از آنکه خود را بسازد جامعه به او روی آورد و در میان مردم نفوذ و شخصیتی پیدا کند که خود را می بازد؛ خود را گم می کند. قبل از آنکه عنان اختیار از کف شما ربوده شود خود را بسازید و اصلاح کنید. به اخلاق حسنه آراسته شوید؛ رذایل اخلاقی را از خود دور کنید؛ در درس و بحث اخلاص داشته باشیدتا شما را به خدا نزدیک سازد. اگر در کارها نیت خالص نباشد، انسان را از درگاه ربوبی دور می کند. طوری نباشد که پس از هفتاد سال وقتی نامه عمل شما را باز کنند ببینند هفتاد سال از خداوند عزوجل دور شده اید. در زمینه تهذیب و تزکیه نفس و اصلاح اخلاق برنامه تنظیم کنید؛ استاد اخلاق برای خود معین نمایید؛ جلسه وعظ و خطابه، پند و نصیحت تشکیل دهید.

انبیاء خدا برای این مبعوث شدند که آدم تربیت کنند؛ انسان بسازند؛ بشر را از زشتی ها، پلیدیها، فسادها و رذایل اخلاقی دور سازند و با فضایل و آداب حسنه آشنا کنند.

برای اصلاح و ساختن جامعه قدم بردارید؛ هدف شما خدمت به اسلام و مسلمین باشد. اگر برای خدا قدم بردارید، خداوند متعال مقلب القلوب است، دلها را به شما متوجه می سازد. شما در راه خدا زحمت بکشید، فداکاری کنید، خداوند شما را بی اجر نمی گذارد؛ اگر در این دنیا نشد، در آخرت پاداش خواهد داد.

ریشه تمام اختلافاتی که فاقد هدف مشخص و مقدسی باشد به حب دنیا برمی گردد و اگر در میان شما همچنین اختلافاتی وجود دارد، برای آن است که حب دنیا را از دل بیرون نکرده اید و از آنجا که منافع دنیا محدود می باشد، هر یک برای بدست آوردن آن با دیگری به رقابت برمی خیزد.

اگر اعمال و کردار شما، وضع زندگی و سلوک شما، این طور باشد که اکنون مشاهده می شود، بترسید از اینکه خدای نخواسته از دنیا بروید و شیعه علی بن ابیطالب (ع) نباشید. بترسید از اینکه موفق به توبه نگردید و از شفاعت آن حضرت بی نصیب بمانید. پیش از آنکه فرصت از دست برود چاره بیندیشید.

خداوند تبارک و تعالی چون به بندگانش عنایت داشته، به آنان عقل داده؛ نیروی تهذیب و تزکیه عنایت فرموده؛ انبیاء و اولیاء فرستاده تا هدایت شوند و خود را اصلاح نمایند و دچار عذاب الیم جهنم نگردند و اگر این پیشگیریها مایه تنبیه و تهذیب انسان نگردید، خدای مهربان از راههای دیگر او را متنبه می سازد.

با بندگان خوب و صالح خدا نیکی کنید. آنان را که عالم اند به خاطر علمشان، کسانی را که در صراط هدایتند به خاطر اعمال نیکشان و آنان را که جاهل و نادان اند چون بندگان خدایند، احترام نمایید؛ خوشرفتاری کنید؛ مهربان باشید؛ صداقت و برادری داشته باشید. مهذب شوید. شما می خواهید جامعه ای را تهذیب و ارشاد کنید، کسی که نتواند خود را اصلاح و اداره کند چگونه می خواهد و می تواند دیگران را راهنمایی و اداره نماید؟

طبق بعضی آیات، به تفسیر برخی از روایات، اعمال انسان به رسول خدا (ص) و ائمه طاهرین (ع) عرضه می شود و از نظر مبارک آنان می گذرد. وقتی که آن حضرت به اعمال شما نظر کنند و ببینند که از خطا و گناه انباشته است، چقدر ناراحت و متاثر می گردند؟ نخواهید که سول خدا ناراحت و متاثر شوند؛ راضی نشوید که قلب مبارک آن حضرت شکسته و محزون گردد. وقتی آن حضرت مشاهده کند که صفحه اعمال شما مملو از غیبت و تهمت و بدگویی نسبت به مسلمان می باشد و تمام توجه شما هم به دنیا و مادیت است و قلوب شما از بغض، حسد، کینه و بدبینی به یکدیگر لبریز شده، ممکن است در حضور خدای تبارک و تعالی و ملائکه الله خجل گردد که امت و پیروان او نسبت به نعم الهی ناسپاس بوده و اینگونه افسار گسیخته و بی پروا به امانت خداوند تبارک و تعالی خیانت می کنند. فردی که به انسان مربوط است، اگر چه نوکر انسان باشد، اگر خلافی مرتکب شد، مایه خجلت انسان می گردد.

توجه به غیر خدا انسان را به حجاب های ظلمانی و نورانی محجوب می نماید. کلیه امور دنیوی اگر موجب توجه انسان به دنیا و غفلت از خداوند متعال شود، باعث حجب ظلمانی می شود. تمام عوالم اجسام حجاب های ظلمانی می باشد و اگر دنیا وسیله توجه به حق و رسیدن به دار آخرت که دارالتشریف است، باشد، حجاب های ظلمانی به حجب نورانی مبدل می گردد. ولی کسی که هنوز حجاب های ظلمانی را پاره نکرده، کسی که تمام توجه او به عالم طبیعت است و منحرف عن الله می باشد و اصولاً از ماوراء دنیا و عالم روحانیت بیخبر بوده و منکوس الی الطبیعه است و هیچگاه در مقام این برنیامده که خود را تهذیب کند، حرکت و نیروی روحانی و معنوی در خویشتن ایجاد نماید و پرده های سیاهی را که روی قلب او سایه افکنده کنار زند، در اسفل سافلین که آخرین حجب ظلمانیست قرار دارد.

گاهی می بینی که به این واقعیات علم دارد، لیکن ایمان ندارد. مرده شوی از مرده نمی ترسد، زیرا یقین دارد که مرده قدرت اذیت و آزار ندارد؛ آنوقت که زنده بود و روح در بدن داشت کاری از او ساخته نبود، چه رسد اکنون که قالب تهی کرده است؛ ولی آنان که از مرده می ترسند برای این است که به این حقیقت ایمان ندارند؛ فقط علم دارند. به خدا و روز جزا عالم اند، ولی یقین ندارند.

تا کی می خواهید در خواب غفلت به سر برید و در فساد و تباهی غوطه ور باشید؟ از خدا بترسید؛ از عواقب امور بپرهیزید؛ از خواب غفلت بیدار شوید. شما هنوز بیدار نشده اید؛ هنوز قدم اول را برنداشته اید. قدم اول در سلوک یقظه است. ولی شما در خواب به سر می برید؛ چشمها باز و دلها در خواب فرو رفته است. اگر دلها خواب آلود و قلبها بر اثر گناه سیاه و زنگ زده نمی بود، این طور آسوده خاطر و بی تفاوت به اعمال و اقوال نادرست ادامه نمی دادید. اگر قدری در امور اخروی و عقبات هولناک آن فکر می کردید، به تکالیف و مسئولیتهای سنگینی که بر دوش شماست بیشتر اهمیت می دادید.

شما عالم دیگری هم دارید؛ معاد و قیامتی نیز برای شما هست. چرا عبرت نمی گیرید؟ چرا بیدار و هوشیار نمی شوید؟ چرا اینقدر با خاطر آسوده به غیبت و بدگویی نسبت به برادران مسلمان خود می پردازید و یا استماع میکنید؟ هیچ می دانید این زبانی که برای غیبت دراز می شود در قیامت زیر پای دیگران کوبیده می گردد؟

بپرهیزید از اینکه خدای نخواسته حب دنیا و حب نفس بتدریج در شما رو به فزونی نهد و کار به آنجا رسد که شیطان بتواند ایمان شما را بگیرد.

بکوشید اگر علقه، ارتباط و محبتی به دنیا دارید، قطع نمایید. این دنیا با تمام زرق و برق ظاهریش ناچیزتر از آن است که قابل محبت باشد، چه رسد که انسان از همین مظاهر زندگی هم محروم باشد. شما از دنیا چه دارید که به آن دل ببندید؟

جوانان ننشینند که گرد پیری سر و روی آنا را سفید کند. شما تا جوان هستید می توانید کاری انجام دهید؛ تا نیرو و اراده جوانی دارید می توانید هواهای نفسانی، مشتهیات دنیایی و خواسته های حیوانی را از خود دور سازید. ولی اگر در جوانی به فکر اصلاح و ساختن خود نباشید، دیگر در پیری کار از کار گذشته است. تا جوانید فکری بکنید؛ نگذارید پیر و فرسوده شوید.